

سفر رئیس جمهور فرانسه به جنوب شرق آسیا و سیاست  
دیپلماتی نرم... ۴



ای امت اسلام! تو شایسته آنی که پرچم‌دار ملت‌ها باشی و دولت تو، بی‌ریب، نخستین قدرت جهان گردد و نقشه مسیر جهانی را تو رسم کند؛ اما این جایگاه جز با اقامه آن دولت بزرگ محقق نخواهد شد. آگاه باش که زمان تغییر فرا رسیده و لحظه بیداری پس از این خواب طولانی فرا رسیده است. پس ای امت اسلام، آسین همت بالا بزن و گمان کن تا همراه اهل تلاش، برای اقامه خلافت پرخیزی که، خلافت دژ استوار تو و تاج بندگی پروردگار جهانیان است.

شماره : ۵۵۲ تعداد صفحه : ۴

**استاد سعید فضل**

[illegible][illegible]

تألیف، آزادی از بند بندگان و بازگشت به عبادت پروردگار بندگان و خبیثی است که مسلمان در هرگاه آرزوی آن را دارد، با منافقت، سرزمینهای مسلمانان از دست می‌رود و تیرجها و سدها شکسته و وحدت آنان محقق نمی‌گردد. این خلافت است که آنان را زیر پرچم پارس، پرچم سرور الله علیه و آله و سلم جمع می‌کند و با آن، حراد، کفایت و قدرت حل می‌شود و برادران اقصای، قاضی، آموزشی و اجتماعی از میان می‌رود و اسلام سیاسی بشوایلی ملتها با ریز می‌پایید. پس مسلمانان باید خود را زیر پرچم سید و قله ای اسلام وقت کنند و ایگاه مسلمانان گسترانی را

که او را از بند هندی، پاریس می‌کند و هزاران پاریسی‌گری که قاطع‌الغایب گردیده، پارس شده است، باید اکنون است که است که به آنان نشان دهیم که این دولت بیدار شده و دیگر فریب و پرورشگشتی آنان برای منافقان یکو رز

به ادامه فواید یافت و احکام وقت آن رسیده که بساط از زیر پای دشمنان دزد و پیروان منافقان جمع کنیم تا

از این امتیاز و آزارش و عدالت و ثبات برده‌شود.

[illegible]

می‌دیدید، کاروان اسقامت بی‌انگرمی از اخلاص مردمی است و نشان می‌دهد که مسئله فلسطین، مسئله‌ای محوری برای امت، بلکه خود مسئله امت است و بهمان در قلب زنده و جاری است؛ اما حقیقتی که باید پیچیده بیان شود این است که کاروان‌های انسانی، هرچند بزرگ و پرشمار باشند، نه رژیم اشغالگر را سرنگون می‌کنند، نه سرزمینی را آزاد می‌سازند، نه بهمانانی را متوقف می‌کنند و نه محاصره را می‌برند.

[illegible]

آنچه امروز در جریان است، تصویری روشن از وابستگی رژیم‌ها و هم‌پیمانی آن‌ها با رژیم اشغالگر است. مصر، به‌جای آن‌که دروازه‌ای برای یاری‌رسانی و شکستن محاصره باشد، به زندانبانی در خدمت اشغالگران بدل شده است و ارتش مصر، به‌جای آن‌که شمشیری در برابر مبهوبی‌ستها باشد، به نگهبان مرزهای آن‌ها تبدیل شده و یورشان در تحمیل محاصره به غزه شده است.

ادامہ صفحہ ۳۰

مواضع حکومت‌های عربی، به‌ویژه حکومت مصر، یکی از تیرگی‌اش آشکار می‌شود: حکومت مصر به هجرتان و به خیانت خود ادامه می‌دهند و در محاصره غزه با یگانگی و دل‌گذاشته‌ها و جلوگیری از رساندن کمک‌ها شریک هستند. بلکه حتی کار را به پیوستن می‌رسانند و با آنان از لحاظ امنیتی و سیاسی هماهنگی می‌کنند. خیانت از حوزه فعالیت‌های رسانه‌ای رفته و به سیاست دینی و رسانه‌ای رسیده است؛ به‌گونه‌ای که عالمان برای برپایی سرزمین سکوت و تحریف آگاهی مردم بسیج شده‌اند و می‌گویند این نزاع را به موضوع «انسانی» تبدیل کنند که هیچ ارتباطی با ژنراسازی و جهاد ندارد.

در اینجا سوال اساسی مطرح می‌شود: ارتش مصر چگونه؟ آنان که به افتخارات اکبر می‌بالند و به تاریخ مصر باستان می‌بالند می‌زنند. کجایند؟ از میان آنان در باغی‌های نیست که صحنه قدش کنگورگ و زنان و عمارت‌ها و مقصات را ببیند و به خود بپایند؛ آیا جایگاه پیروزان پیروزان جرم را نیستند؟ آیا این‌که دستورات سیاسی، اسبابات آنان را می‌شنود و آنان را به نگهبانان مهرهای استعمار بدل کرده، نه به پاسداران امک؟ حکومت مصر، نگهبان امنیت بود؛ است: ارتش و مردم مصر، نگهبان درگاه‌ها را بر آنان می‌بندد و کسره‌های سیاسی برای تحریک مدافعان غزه به راه می‌اندازد و مبارزان را به توربین صحنه می‌برد. حتی همان‌که که قرار بود ازان را بنشیند، می‌رسد و مع سرگردان فرود، برای سکوت گردان و ترس دیگر به حکومت پناه بردند و با استدلال به «صلحت» و «حکمت»، و با توجه و امر را به چنین سختی و محس و وابستگی آوردند و فراموش کردند که چاد و استواب است گفتن قد در برابر سنگمرغی و بی‌فهمی است که نه‌نشان از آن را به تأخیر انداخت.

آن مردم مصر، آن فرزندان اهل‌الدین و فطری، آن وقت آن  
 نرسیده که از واقعیت‌ها رد کنند؟! آن سوزن آن نرسیده  
 که به حکومتی که به نام شما به سر می‌آید، سوزن مبارک  
 فلسطین را به شما بکشد، بگوید: کاشی است؟! آن تنگ  
 آن نیست که تاریخ بنویسد صخره کنار من غرزه ایستاده و به  
 یاری‌اش شتافته است؟!  
 احصایات امت همچون زنده است، اما نظر اصلی آن  
 آنست که غیرت تنها رد افراد پراکنده باقی بماند و حال  
 آنکه امت و ارزش‌هایش عاشق و سرور و آزاداند و آن  
 همان چیزی است که به حکومت‌ها مزدور و به رژیم  
 مبارز و پورائوسی می‌کند و خوابی را بر امت یاقادر  
 می‌سازد.

ای افسران و سربازان ارتش مصر، تصمیم واقعی دست  
شماست؛ گذرگاه‌ها به دست شماست، مرزها زیر پای  
شماست و دربارهای غریبه به گوش شما می‌رسد؛  
چچه سخن سکوت می‌کنید؟ فریب دستورات سیاسی  
و عذری رسانه‌ای را نخورید؛ شما در برابر آله  
سجده‌نوعالی مسئول هستید نه فرماندهان. آله  
نمی‌ترسید که روز قیامت درباره خون کودکان، محاصره  
مادران و مساجدی که نزدیک شما بمباران می‌شود، مورد  
پرسش قرار گیرید؟

[illegible]

0 1 2 3 4 5 6 7 8 9 10 11 12 13 14 15 16 17 18 19 20 21 22 23 24 25 26 27 28 29 30 31 32 33 34 35 36 37 38 39 40 41 42 43 44 45 46 47 48 49 50 51 52 53 54 55 56 57 58 59 60 61 62 63 64 65 66 67 68 69 70 71 72 73 74 75 76 77 78 79 80 81 82 83 84 85 86 87 88 89 90 91 92 93 94 95 96 97 98 99

## مجمع شانگری لا و تنش میان آمریکا و چین

استاد اسعد منصور



مجمع شانگری لا در بیست و دومین دور خود، در روزهای ۳۰ مه تا ۱ ژوئن ۲۰۲۵ در سنگاپور برگزار شد؛ با حضور حدود ۵۰۰ نماینده سیاسی، نظامی و مسئولان در وزارتخانه‌های دفاع از ۴۷ کشور و سازمان.

از این مجمع سالانه دفاعی امنیتی، به‌منظور بررسی مسائل فوری امنیتی منطقه‌ای و تبادل راه‌حل‌های سیاسی برگزار می‌شود و فرصت دیدارهای دو جانبه بین مسئولان کشورهای شرکت‌کننده را نیز فراهم می‌کند.

نماینده آمریکا در این مجمع، وزیر دفاعش پیت هیگست بود که چین را به‌عنوان مسئله اصلی و فوری مطرح کرد و هشدار داد که: «چین به‌وضوح با اعتماد به نفس، خود را برای استفاده از نیروی نظامی به‌منظور تغییر موازنه قدرت در منطقه هند و پاسیفیک آماده می‌کند. او گفت: «تهدید هند و چین است و ممکن است قریب‌الوقوع باشد. واکن امیدوار است بر آسیا سلطه یافته و آن را تحت کنترل خود درآورد».

چین، وزیر دفاع خود را به این نشست نفرستاد و به‌جای او هیئت‌ای دانشگاه‌های دفاع ملی وابسته به ارتش چین را اعزام کرد؛ پیامی به آمریکا برای کاستن از اهمیت این مجمع و جلوگیری از آن بود که آمریکا از این مجمع برای حمله به چین استفاده کند، چراکه می‌دانست هیگست این کار را خواهد کرد، چراکه او به سبک صفات علنی عادت دارد و از رویکرد دیپلماتیک قاصد می‌گیرد.

به همین دلیل، چین از طریق سخنگوی وزارت خارجه و نیز یکی از مسئولان وزارت دفاع خود در شبکه تلویزیون رسمی‌اش پاسخ داد که: «چین تهدیدی توصیف کرد» و افزود که: «این اظهارات به تحریک‌آمیز با هدف ایجاد شکاف صورت گرفته است. درحالی‌که تنها کشوری که می‌توان آن را به سلطه‌گر نامید، آمریکا است. آمریکا عامل اصلی در تضعیف صلح و ثبات در منطقه آسیا پاسیفیک است. برای تحکیم صلح خود و اجرای ایده‌ها، به‌منظور «راهبرد هند و پاسیفیک» می‌نامد. سلاح‌های تهاجمی در دریای جنوبی چین مستقر کرده، تنش‌ها را شعله‌ور ساخته و این منطقه را به بشکه باروت تبدیل کرده است. همچنین، از موضوع تایوان به‌عنوان ابزاری برای فشار به چین استفاده می‌کند» و آمریکا را فراخواند تا به اصل و تشویش «چین واحد» بایندد بوده و از حمایت و تشویش نیروهای جدایی‌طلب حامی استقلال تایوان دست بردارد.

در این سخنان، چین به‌طور خلاصه علت اختلاف سیاسی با آمریکا را بیان کرد؛ چراکه آمریکا جزایر و منابع موجود در آن، از این‌رو، حضور خود را در آن تقویت کرده و فعالیت‌هایش را گسترش داده است. چین خواهان الحاق آن به خود است. آمریکا، سال ۱۹۷۹ پذیرفته که تایوان بخشی از چین است، اما شرط گذاشت که این الحاق بدون استفاده از ابزار نظامی صورت گیرد. با این حال، آمریکا همواره در جهت جلوگیری از الحاق آن کام برداشته، تایوان را مسلح می‌کند و اعلام کرده که اگر چین به‌طور نظامی به آن حمله کند، از آن دفاع خواهد کرد. این رفتار، به‌منوعی نقض تعهدات آمریکا نسبت به چین به‌شمار می‌رود.

از این‌رو، آمریکا آن‌گونه که از زبان وزیر دفاعش تارو در این ترس مرصفاً بهانه به تبلیغات هراس‌زیرا چین به سطحی از توانمندی نظامی پیش‌رفته رسیده که قادر است سلطه یابد، چالش ایجاد کند و در کنار توان اقتصادی عظیم خود، آمریکا را در این منطقه به چالش بکشد.

از این‌رو، آمریکا آن‌گونه که از زبان وزیر دفاعش تارو در این ترس مرصفاً بهانه به تبلیغات هراس‌زیرا چین به سطحی از توانمندی نظامی پیش‌رفته رسیده که قادر است سلطه یابد، چالش ایجاد کند و در کنار توان اقتصادی عظیم خود، آمریکا را در این منطقه به چالش بکشد.

از این‌رو، آمریکا آن‌گونه که از زبان وزیر دفاعش تارو در این ترس مرصفاً بهانه به تبلیغات هراس‌زیرا چین به سطحی از توانمندی نظامی پیش‌رفته رسیده که قادر است سلطه یابد، چالش ایجاد کند و در کنار توان اقتصادی عظیم خود، آمریکا را در این منطقه به چالش بکشد.

## تحولات اخیر در لس آنجلس؛ بحران سازی هدفمند یا نزاعی سیاسی ساختگی؟

استاد ساهر دهشه

شهر لس آنجلس طی روزهای اخیر شاهد تحولاتی بود که پرسش‌های جدی درباره انگیزه‌های واقعی آن‌ها را برانگیخت. آیا این اتفاقات بخشی از نزاع میان دونالد ترامپ و نهادهای حاکمیتی است؟ یا در چارچوب ستاریوهای پیرامون جدایی کالیفرنیا از آمریکا قابل تحلیل‌اند؟ و یا اینکه با هدف بهره‌برداری سیاسی پیش از انتخابات طراحی‌شده‌اند؟

واقعیت آن است که دولت ترامپ در مواجهه با این بحران، رویکردی تنش‌زا اتخاذ کرد که به‌نظر می‌رسد هدف اصلی آن، تحریک پایگاه رای جمهوری‌خواهان بود؛ آن‌هم در آستانه انتخابات قانون‌گذاری. پیش‌زمینه درگیری؛ یورش مشکوک

ماجرا صرفاً یک درگیری معمولی میان معترضان و نیروهای امنیتی نبود. گزارش‌های رسانه‌ای محلی و شاهدان عینی حاکی از آن است که نیروهای ای اداری مهاجرت و گمرک آمریکا (ICE) به حمله‌ای با اکثریت ساکنان لاتین‌تبار حدود ۸۰٪ یورش بردند. درحالی‌که می‌دانستند بسیاری از ساکنان، مهاجرانی بدون مدارک قانونی هستند. عملیات با استفاده از نیروی مسلح انجام شد؛ برخلاف رویه معمول این نیروها که غالباً غیرمسلح‌اند. در جریان این یورش، یک کارخانه مورد هجوم قرار گرفت و کارگران آن بازنشسته شدند. این نیروها به‌طور کامل مسلح وارد منطقه شدند که با عملیات‌های پیشین تفاوت داشت.

گزارش‌ها همچنین نشان می‌دهند که مسیرها مسدود شد و نیروها به سمت شهروندانی که در حال فیلم‌برداری با تلفن‌های همراه بودند، گاز اشک‌آور شلیک کردند. درحالی‌که در این منطقه هیچ‌گونه تظاهرات یا تارامی‌ای در جریان نبود، این عملیات پرسش‌هایی جدی در مورد انگیزه‌های واقعی آن به‌وجود آورد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه دولت ترامپ این اقدام را به «وجود تهدید امنیتی» نسبت داد؛ تهدیدی که هیچ شواهدی از آن وجود نداشت. تئورهای بی‌دلیل؛ گارد ملی و تهدید به اعزام تفنگداران دریایی (مارینز)

دولت آمریکا به همین حد بسنده نکرد، بلکه دونالد ترامپ، از همان ساعات اولیه، اعلام کرد که نیروهای گارد ملی را اعزام خواهد کرد و سپس تهدید نمود که نیروی تفنگداران دریایی (مارینز) را نیز وارد عمل خواهد کرد؛ اقدامی که در چنین شرایطی، فاقد هرگونه توجیه منطقی بود. این سطح از تشدید تنش، این گمانه را تقویت می‌کند که هدف، به برقراری نظم، بلکه ایجاد یک بحران سیاسی و شایع امنیتی در ایالتی بوده است که از مخالفان برجسته سیاست‌های دولت او به‌شمار می‌رود.

کالیفرنیا... بزرگ‌ترین رقیب دموکرات و انتخابات قانون‌گذاری کالیفرنیا با وزن اقتصادی و سیاسی خود، رقیبی سرکشان برای رئیس‌جمهور جمهوری‌خواه به‌شمار می‌آید. این ایالت، از نظر شمار جمعیت و رای‌دهندگان، بزرگ‌ترین ایالت آمریکاست و اگر به‌عنوان کشوری مستقل محسوب شود، چهارمین اقتصاد بزرگ جهان به‌شمار می‌آید. افزون بر این، کالیفرنیا به‌طور سنتی یکی از پایگاه‌های اصلی حزب دموکرات است.

همچنین این ایالت از جمله مناطقی است که به‌طور پیوسته بر حمایت از حقوق مهاجران بافشاری کرده و بارها از همکاری با نیروهای ICE خودرایی ورزیده است و از این‌رو، رقیبی هم نامدین و هم راهبردی برای دولت ترامپ به‌شمار می‌آید. از سوی دیگر، بخش بزرگی از نیروی کار این ایالت را مهاجران فاقد مدارک اقامتی رسمی تشکیل می‌دهند، به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی و ساخت‌وساز؛ جایی که دولت ایالتی اجازه کار به آنان می‌دهد و به‌صورت قانونی از آن‌ها حمایت نیز دریافت می‌کند.

تورهای سیاسی؛ شواهدی فراتر از تشدید تنش‌ها در ارتباط با همین تحولات، حوادثی از ترور سیاسی در ایالت می‌موسوتا به نفع رسید که اعضای از حزب دموکرات را هدف قرار داد؛ این حیات به گذشته‌شدن

## اردن، به دفاع از رژیم یهود، موشک‌های ایران را رهگیری کرد

بامداد جمعه، سیزدهم ژوئن ۲۰۲۵، رژیم یهود به ایران حمله کرد و تأسیسات هسته‌ای، کارخانه‌های موشک‌های بالستیک و برخی فرماندهان نظامی را هدف قرار داد و خسارت‌های سنگینی به جان و تأسیسات نظامی و غیرنظامی وارد ساخت. این حمله با حمایت و پشتیبانی آمریکا انجام شد و ایران طبق معمول، وعده پاسخ قاطع و ویرانگر به رژیم یهود داد و با پهلپاها و موشک‌ها به این رژیم حمله کرد و در میخ و شام همان روز، چندین شهر را از طریق حریم هوایی عراق، سوریه و اردن انجام داد که برخی از آن‌ها خسارت‌های زیادی در نهبیسات در شهرهای رژیم یهود وارد کرد و برخی دیگر، پیش از رسیدن به رژیم یهود در آسمان مناطق اطراف، رهگیری شد.

رئیس نظام اردن اعلام کرد که اردن میدان جنگ هیچ نزاعی نخواهد بود و اجازه نخواهد داد امنیت و ثبات آن تهدید شود. وزیر خارجه او، اصفدی نیز گفت اردن اجازه نخواهد داشت تهدید امنیتی‌اش را نخواهد داد. یک منبع نظامی مسئول در ستاد کل نیروهای مسلح اردن، ارتش عربی نیز تأکید کرد که هواپیماهای نیروی هوایی اردن به سمت یهود و ویرانگر به این رژیم یهود پرتاب شده بودند، رهگیری کردند. دفتر مطبوعات حزب‌التحریر در ولایت اردن در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد: نظام اردن با این اقدامات، بار دیگر ثابت کرد همان‌طور که از آغاز پیدایش شناخته‌شده، وظیفه سیاسی و نظامی‌اش، تثبیت رژیم یهود و حمایت از آن در برابر خطراتی است که ممکن است موجب ورودی‌اش را تهدید کند. تکرار ادعای کهنه او مبنی بر این‌که رهگیری این پهلپاها و موشک‌ها فقط برای حفاظت از امنیت و ثبات کشور است، دیگر کسی از مردم اردن را نمی‌فریبد و امروز، این نظام یهودی، نه از الله سبحانه‌و تعالی شرم دارد و نه از رسول‌الله صلی‌الله‌و آله‌و سلم و نه از مسلمانان و بی‌بیهی‌ای، از رژیم یهود با معاهدات، توافق‌ات و همکاری‌های امنیتی و نظامی دفاع می‌کند؛ همکاری‌هایی که حتی در جبهه جنگ نسل‌کشی، آوارسازی و گرسنگی که یهودیان علیه غزه به راه انداخته‌اند نیز متوقف نشده و با همان ارتشی که از رژیم یهود در برابر موشک‌های ایران حفاظت می‌کند، از غزه حمایت نمی‌کند.



## عادی سازی روابط با یهود؛ بی‌اعتنایی به اصول ثابت انقلاب شام

استاد مصطفی سلیمان

بستن پرونده رنج طوفانی ناشی از نظام اسد، سال‌ها سرکوب و وابستگی و فقدان حاکمیت، نیازمند رهبری‌ای با اصول و جسارت است. رهبری که آن‌قدر استوار باشد که بتواند آرمان‌های انقلاب شام را که در سال ۲۰۱۱ با طغیان‌های چون «مرگ و نه ذلت»، «جز برای الله سبحانه‌و تعالی زانو نمی‌زنیم» و «یا با عزت زندگی می‌کنیم یا می‌میریم» آغاز شد، به دوش بکشد. تحقق این اهداف هنوز هم ممکن است، به‌ویژه در پرتو توان روحی عظیم مردم شام که سرسخت‌ترین طاغوت عصر حاضر را به زیر کشیدند. اگر این نیرو در مسیر درستی به‌کار گرفته شود، هیچ مانعی برابرشان نخواهد ایستاد. کابینست که فخرش اخیر و خودجوش مردم در برابر بازماندگان رژیم نگاه کنیم؛ جایی‌که در یک روز حدود نیم میلیون انقلابی برای دفاع از انقلاب و سربازدهایش به میدان آمدند. همین روحیه، اگر با رهبری صادق و پایبند به اصول همراه شود، می‌تواند آینده سیاسی آزاد و امیصل بسازد، نه ابزار دست تعاملات بین‌المللی یا منافع شخصی. اما در نقطه مقابل، شاهد انحراف شدید در مواضع رهبری فعلی که روزبه‌روز از جوهره انقلاب و اصول آن فاصله می‌گیرد هستیم. مواضع اخیر نتهنیا به نظام امپاتیان دگر، بلکه از آن فراتر رفته و هم‌مفشدن با دشمنان امت را توجیه می‌کند؛ آن‌هم به بهای هویت انقلاب و استقلال تصمیم‌ان.

در گفت‌وگویی با یک روزنامه یهودی آمریکایی، رئیس هیئت گذار سوریه گفت: «ما با اسرائیل شراکت امنیتی برقرار خواهیم کرد، زیرا دشمنان مشترکی داریم. ترامپ مرد صلح است و تنها سیاست که می‌تواند مسیر منطقه را اصلاح کند». همچنین در مصاحبه‌ای با تاجر آمریکایی یهودی، چاتانات باس، در مجله یهودی آمده‌اند که قصد دارد با رژیم یهود شراکت امنیتی برقرار کند. صرف مطرح‌کردن «دشمن مشترک با رژیم یهود» انحرافی خطرناک است که نشان از آدامگی برای عدول از اصول عقیدتی و انقلابی دارد؛ تنها برای جلب رضایت واشنگتن و تلا‌ویو. این موضع‌گیری نه‌نشانه‌ی شجاعت سیاسی است و نه نشان آگاهی، بلکه خیانتی به خود‌هست و بی‌اعتنایی به موضع مردمی که هرگز از حق آزادی فلسطین و حیوان کوتاه نمی‌امدند و هیچ‌گاه شاکلانی را، نه با وعده بافروز و نه با توافقات‌نامه‌های اسلو، نپذیرفتند؛ پس چگونه شراکت امنیتی با غاصب قبله اول را خواهند پذیرفت؟!

مردم تا دیروز به نظام اسد طعنه می‌زدند که با دروغ «مقاومت» و در واقع رهایی اسرائیل را محافطت می‌کرد و مردم خود را بمباران می‌نمود. امروز اما رهبری فعلی در موضعی خطرناک‌تر ایستاده است؛ چراکه از شعار مقاومت به پیشنهاده «شراکت» رسیده و بدین‌سان، انقلاب، آنچه از هویت حاکمیتی‌اش باقی‌مانده، از دست می‌دهد و در پروژه‌های منطقه‌ای مشکوک ذوب می‌شود؛ پروژه‌هایی که با عناوینی زیبا همچون «عمل‌گرایی»، «مصلحت عمومی» و «سیر کردن شکم مردم» عرضه می‌شوند.

بله مردم شام به اقتدا و ثبات، آموزش و خدمات نیاز دارند؛ اما برای تکدام از در سفارت، نزدیک به دو میلیون شهید نداده‌اند! هیچ

### ای فرزندان امت اسلام، آیا وقت آن نرسیده است که عزت خود را باز گردانید؟

هئات امت اسلامی امروز بر آستانه مصلحت‌نو ایستاده است؛ خلافت، رهبایی دور از دسترس نیست، بلکه واقعیتی است که تحقق می‌یابد اگر امت اسباب پیروزی را فراهم آورد و راه رسول‌الله صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آل‌و‌وسلم را در افاده دولت پی گیرد. چنان‌که آن حضرت صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آل‌و‌وسلم در مدینه پس از ایثار قدرت و حمایت، آن را بنیان نهاد. پس امت امروز موقف است به تلاش جدی برای بازگرداندن سلطه اسلام و افاده دولت خلافتی که به کتاب الله سبحانه‌و تعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آل‌و‌وسلم حکم می‌کند.

هئات غریب، با وجود قدرت نظامی و اقتصادی‌اش، به مرحله ضعف و فروپاشی رسیده است و بحران‌های سیاسی و اقتصادی آمریکا و اروپا، بزرگترین شاهد بر این است و غرب بر اندازه هم که توطئه کند، نمی‌تواند مانع بیداری امت و بازگشتش به دین و افاده حکم اسلام گردد. پس ای فرزندان امت اسلام، اکنون وقت آن رسیده است که عزت خود را بازگردانید و به حکم الله سبحانه‌و تعالی بازگردید؛ زیرا تنها با خلافت است که دین احیا می‌شود، سیرزمین‌ها آزاد می‌گردد، کرامت بازآفاده می‌شود و شما بار دیگر رهبری جهان را به دست می‌گیرید تا زمین به نور پروردگارش روشن شود. چنان‌که الله سبحانه‌و تعالی فرمود: «وَمَا رَغَبُوا إِلَّا رَغْبَةً يُقْضَوْنَ» «و نرغساندیم جز رحنی برای جهانیان».

پس ای مسلمانان، به عمل برخیزید و ای افسران وفادار، به نصرت بشارتید؛ که وعده الله سبحانه‌و تعالی نزدیک است و خلافت راشده دوم بر منبج نبوت به روی افاده خواهد شد. انشا الله؛ «وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرِ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» «و الله سبحانه‌و تعالی چیره است بر فرمان‌ها، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند».

### دقتر ناتو در اردن، خدمتی به منافع استعماری است

اردن و پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) روز پنجشنبه ۱۲ ژوئن ۲۰۲۵ میلادی در بروکسل توافقنامه میزبانی دفتر ارتباط دیپلماتیک این پیمان را در پایتخت، عمان، امضا کردند. این توافقنامه را از طرف اردن، سفیر ممتاز نزد ناتو، یوسف البلیطه و از سوی ناتو، نماینده ویژه امور همسایگی جنوبی، خاویر کولومبیا، امضا کردند. کولومبیا ضمن تمجید از روابط ممتاز با اردن، میزبانی دفتر را ستود و نقش محوری اردن در منطقه را به عنوان شریکی قابل‌اعتماد برای پیمان در زمینه‌های مختلف مورد تأکید قرار داد.

تعلیق: درباره نقش دفتر ناتو در عمان، دبیرکل پیمان، ینس استولتنبرگ، گفت است: «اردن شریکی دیرینه و بسیار ارزشمند برای ناتو به‌شمار می‌رود». همچنین سخنگوی منطقه‌ای وزارت خارجه آمریکا، سام وریج، در مصاحبه با خبرگزاری اردن در حاشیه نشست قبلی ناتو تصریح کرد که کشورش نقش حیاتی اردن را برای ثبات کلی منطقه این می‌نهد. این اظهارات مسئولان ناتو و آمریکا نشان می‌دهد که نظام حاکم در اردن از زمان تأسیسش به عنوان یک ساتراپ کارگرمی، وظیفه حفاظت از منافع استعماری غرب، به‌ویژه تقویت و حفظ موجودیت «رژیم یهود» به عنوان منفعت و ابزار اصلی بریتانیا و سپس آمریکا و اروپا برای پیشبرد پروژه‌های استعماری خود و جلوگیری از تحقق پروژه نهضتی امت، یعنی افاده دولت اسلامی، دولت خلافت راشده را برعهده داشته است.

## سفر رئیس‌جمهور فرانسه به جنوب شرق آسیا و سیاست دیپلماسی نرم

دکتر اسد العجیلی

این سفر که از ۲۵ تا ۳۰ مه ۲۰۲۵ به کشورهای ویتنام، اندونزی و سنگاپور انجام شد، بخشی از راهبردی فرانسه برای «چرخش به‌سوی هند و اقیانوس آرام» بود؛ راهبردی که از سال ۲۰۱۸ به‌صورت رسمی در واکنش به تحولات ژئوپلیتیکی منطقه آغاز شد. از جمله این تحولات، توافق‌نامه «آکوس» بود که فرانسه را کنار گذاشت و موجب

از دست رفتن قرارداد زیردریایی‌ها با استرالیا شد، همچنین نقش‌آفرینی اتحادیه «آسه‌آن» به‌عنوان یک بلوک اقتصادی مهم در منطقه. پاریس با بر آن داشت تا راهبردی تازه در پیش گیرد که منافع اقتصادی، نظامی و سیاسی‌اش را حفظ کرده و حضور ژئوپلیتیکی‌اش در منطقه‌ای که کانون رقابت جهانی میان آمریکا و چین است، تقویت نماید. به‌ویژه پس از روی کار آمدن ترامپ و تهدیدهای او به جنگ تجاری علیه کشورهای منطقه، فرانسه فرصت را مناسب‌تر از همیشه دید تا راهبردی خود را فعال و نفوذش را تثبیت کند. جنوب‌شرق آسیا به موقعیت راهبردی در منطقه هند و اقیانوس آرام، منابع اقتصادی و کشورهای دارای اکثریت مسلمان مانند اندونزی، صحنه‌ای اصلی برای رقابت میان آمریکا است که ائتلاف‌هایی مانند آکوس و کواد را رهبری می‌کند و چین با ابتکار «کمربند و جاده» و نیز فرانسه که می‌کوشد مسیر سوم به نام «سیاست قدرت متوازن» ارائه کند. فرانسه این سیاست را از طریق دیپلماسی نرم پیگیری می‌کند؛ یعنی اعتقاد شراکت‌های اقتصادی و نظامی جایگزین، به‌ویژه پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و کاهش نفوذ فرانسه در آفریقا بر اثر فشارهای آمریکا.

مارکون سفرش از ویتنام آغاز کرد، مستعمره پیشین فرانسه و شریک راهبردی دیرینه‌اش، جایی که از ۲۶ مه با رئیس‌جمهور «تو لامل» دبیرکل حزب کمونیست دیدار کرد و تمرکز اصلی دیدار بر همکاری در بخش انرژی پاک و زیرساخت‌ها بود. سپس به جا کارتا، بزرگ‌ترین اقتصاد منطقه عضو بنیان‌گذار آسه‌آن رفت؛ جایی که با وزیر دفاع «پراو پابوتیو» دیدار کرده و در مراسمی نظامی از آکادمی نظامی ماگیلانگ، نشان افتخار فرانسه را به او اهدا نمود. در این دیدار، درباره قراردادهای تسلیحاتی و آموزش‌های دریایی مشترک گفت‌وگو شد. همچنین موضوع بررسی شناختن متقابل دولت فلسطینی و رژیم یهودی را به‌عنوان پیش‌زمینه‌ای برای اجلاس بین‌المللی تحت حمایت فرانسه و اسرائیل در ژوئن ۲۰۲۵ مطرح کرد. در پایان، در سنگاپور و در تاریخ ۳۰ مه ۲۰۲۵ در مراسم افتتاحیه «گفت‌وگوی امنیتی سنگاپور» سخنرانی کرده و هشدار داد که تابوای ممکن است در صورت تسلط چین، به «اوکراینی دیگر» بدل شود و خواستار پرهیز از تنش نظامی شد. این سفر با برگزاری هم‌رسمیت شناختن دولت فلسطینی را «واجبی اخلاقی و ضرورتی سیاسی» می‌داند، مشروط به خلع سلاح حماس و حذف آن از حکومت. موضوع همکاری در حوزه

فرمانوری، به‌ویژه امنیت سایبری و هوش مصنوعی نیز در این سفر مطرح شد. ماکرون پیش از آغاز این سفر، در ۲۲ مه ۲۰۲۵ تماس تلفنی با رئیس‌جمهور چین، شی‌جین‌پینگ، برقرار کرده و در آن خواستار برابری فرصت‌های رقابت و دفاع از قوانین تجارت جهانی شد؛ پاسخی به تهدیدات ترامپ برای وضع تعرفه‌های گمرکی علیه کشورهای مانند چین و اروپا. به‌این‌ترتیب، فرانسه دست همکاری به‌سوی چین دراز کرده تا در برابر زورگویی آمریکا بایستد، اگر ترامپ سیاست جنگ تجاری را ادامه دهد و خود را به کشورهای منطقه به‌عنوان شریکی قابل‌اعتماد معرفی کند. ماکرون گفت: «... این تمایل به نوشتن فصلی بلندپروازانه‌تر میان ویتنام و فرانسه و میان آسه‌آن و اتحادیه اروپاست». با وجود موقعیت تاریخی در اعتقاد چندین توافق با کشورهای منطقه و مشارکتش در رزمایش‌های نظامی اخیر در اندونزی، این واقعات از بُعد اقتصادی و امنیتی رقابتی رفته و نفوذ سیاسی آمریکا را تهدید نمی‌کنند. آمریکا همچنان سلطه‌اش را بر این کشورها حفظ کرده و تلاشش را برای بازسازی پراش به‌عنوان یک قدرت جهانی موثر است؛ تلاشی برای جبران کاهش نفوذ در آفریقا و تثبیت نقشش در نظامی چندقطبی. فرانسه از تنش میان چین و آمریکا بهره می‌برد. «آچه» «مسیر سوم» خوانده می‌شود که فرانسه و اروپا پیگیری می‌کنند، هنوز توان تحقق اهداف آن‌ها در راهبرد توازن قوا و تثبیت جایگاه جهانی را ندارد. سیاست دیپلماسی نرم ماکرون، فقط موجب افول بیشتر جایگاه فرانسه و اروپا در صحنه بین‌المللی خواهد شد، چراکه در برابر آمریکا، تنها تهدید مؤثر نتیجه می‌دهد.

شاید این رقابت و تنش در نه‌نهایت درگیری میان طرف‌های بزرگ، فرصتی برای ظهور رقابت‌هایی تازه باشد که با ارائه افکار و نظام‌هایی نو، صلح و ثبات واقعی برای بشریت به ارمغان بیاورند. به‌ویژه با توجه به کشور اول دنیا، آمریکا، در حال فروپاشی درونی است و هیچ نشانه‌ای از احیای آن وجود ندارد، بلکه در تمامی عرصه‌ها، اوضاعش رو به وخامت است. آنچه سقوطش را به‌تأخیر انداخته، نبود یک رقیب واقعی و مؤثر در عرصه بین‌المللی پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ است و همین امر، ضرورت برپایی خلافت اسلامی را به‌عنوان قدرتی جایگزین و تشکیل‌دهنده نظام بین‌المللی جدیدی که عدالت و آرامش را به جهان بازگرداند، اثبات می‌کند.

### ای ارتش مصر (سرزمین کثانه)، آزادی فلسطین وظیفه‌ای است بر گردن شما

ای سربازان کثانه! آزادی فلسطین بر گردن شما واجب است و پس از ایمان، هیچ واجبی بزرگتر از آن نیست. بیرون راندن حضور نظامی کفار از سرزمین‌های مسلمانان پیش از دیگران، بر عهده شماست. زمانی که بر سرزمین اسلام حمله می‌شود یا دانسته شود که دشمن برای حمله به سرزمین مسلمانان آماده می‌شود، جهاد برای دفاع دشمن بر همه اهل آن سرزمین واجب می‌شود تا زمانی که گفایت حاصل گردد و اگر دشمن بر آن سرزمین چیره شود، این واجب جهاد به کسانی که در اطراف آن منطقه هستند منتقل می‌شود و اگر آنان هم نتوانند، نوبت به دیگران می‌رسد و همین‌طور تا زمانی که این تکلیف همه مسلمانان را شامل شود. اگر دشمن بر سرزمینی تسلط شد، جهاد برای مردم همان سرزمین به صورت نافه درمی‌آید؛ زیرا آنان در حکم فرمان‌برار می‌گردند، اما این واجب همچنان بر دوش مسلمانان توافد در کشورهای اطراف باقی می‌ماند. از آنجا که نظامی که شما را اداره می‌کند، جهاد برای آزادی سرزمین‌های اشغالی را منع می‌کند و «آچه» بدون آن انجام واجب ممکن نیست، خود نیز واجب است، پس برادران شما این مقام برای بازگرداندن جهاد و آزادسازی سرزمین‌های مسلمان و مقدساتشان، به پیش از آن، می‌بهرین واجب، افاده حاکمیت کثانه در دولت خلافت راشده بر منبج نبوت است.

ای سربازان کثانه! شما همواره سیر امت بوده‌اید؛ سلاخی در دستان او. پس آزادی خود را بازپس بگیرید، به امت خود بپیوندید و زنجیرهای حاکمان را که شما را اسیر کرده‌اند بگساید، امتیازات، رتبه‌ها و حقوق آن‌ها را واگذارید و دست در دست کسی بگذارید که شما را به‌سوی بهشتی که پهنای آن آسمان‌ها و زمین است بفرستد؛ که این برای شما در سبب الله سبحانه‌و تعالی سودمندتر و پایدارتر است. بار سنگین امت خود را بر دوش بگیرید و همراه آنان حاکمیت امت را در سایه اسلام و دولت خلافت راشده بر منبج نبوت بازگردانید.

### تعیین نخست‌وزیر در سودان، ورود به لانه استعمارگران کافر است

دکتر کامل ادریس روز شنبه ۴ خرداد ۱۴۴۶ هجری قمری، برابر با ۳۱ مه ۲۰۲۵ میلادی، بر اساس سند قانون اساسی اصلاح‌شده در فوریه ۲۰۲۵، با اختیارات گسترده، در برابر رئیس شورای حاکمیت انتقالی، سرلشکر اول البرهان، به عنوان نخست‌وزیر سوگند یاد کرد و قرار است دولت خود را در روزهای آینده معرفی کند.

تعلیق: مشکل حکمرانی در سودان، در رخش حاکم نیست، بلکه مشکل در نظامی است که بر پایه جدایی دین از زندگی و در نتیجه جدایی دین از سیاست بنا شده است. درحالی‌که اصل ما مسلمان بودن است و نظام حکومتی ما را شریعت تعیین کرده است؛ همان خلافت راشده بر منبج نبوت که رسول‌الله صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آل‌و‌وسلم بدان فرمان داده است: «بنی‌اسرائیل را بپایمان اداره (سیاست) می‌گردند: هرگاه پابمیرای از دنیا می‌رفت، پابمیرا دیگری جانشین او می‌شد؛ اما بعد از من پابمیرا نخواهد بود و خلافتی بسیار خواهد بود». گفتند: پس چه فرمان می‌دهی؟ فرمود: «با نخستین نفر بعت کنید و حق او را ادا نمایید، زیرا الله سبحانه‌و تعالی از آنان درباره رعایت مسئولیت‌شان فواده پرسید».

به اهل سودان می‌گوییم: تا زمانی که بر راه و رسم کفار مستعمره گام می‌برید و راه رسول‌الله صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آل‌و‌وسلم را رها کرده‌اید، حال‌شما اصنام خواهد شد؛ چه کامل ادریس حاکم باشد یا دیگری. ملاح دنیا و آخرت شما در رضایت پروردگارتان است؛ با برپایی شریعت او و اجرای نظامی که برایتان پسندیده است، در سایه خلافت راشده بر منبج نبوت، پس از فروپاشی همراه شریعت؛ حزب که خود را آماده ساخته و با الله سبحانه‌و تعالی و سپس با شما، منافقانه پیمان بسته و طرح قانون اساسی متشکل از ۹۱ ماده، مستنبد از کتاب الله سبحانه‌و تعالی و سنت رسول‌الله صلی‌الله‌و‌علیه‌و‌آل‌و‌وسلم و آنچه ایشان بیان ارشاد کرده‌اند، ارائه داده تا اجرا و تحقق یابد.